



واکاوی ظرفیت‌های قانونی نظام حقوق رسانه‌ای ایران

(چالش‌های تعارض آزادی بیان با مبانی فقهی و امنیتی)

احسان آقامحمدآقایی^۱، مریم ستوده نیا^۲

چکیده

سیستم حقوق رسانه در ایران، شبکه‌ای پیچیده از ظرفیت‌های قانونی و چالش‌های ساختاری است که واکاوی آن نیازمند تحلیل انتقادی اسناد بالادستی و قوانین موضوعه است. پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوهای تنظیمی حاکم بر رسانه‌ها، به واکاوی چالش‌های برآمده از تقابل میان حق بر آزادی بیان و محدودیت‌های قانونی ناشی از صیانت از امنیت ملی و حریم خصوصی می‌پردازد. این تحقیق با اتکا به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از رویکرد دکترینال حقوقی و مطالعه تطبیقی گزینشی، به ارزیابی نظام هنجاری ایران در مقایسه با الگوهای قانونی فرانسه و مصر دست زده است. فرضیه تحقیق بر این است که به‌رغم پیش‌بینی ظرفیت‌های مندرج در قانون اساسی، وجود ابهام در مفاهیم کلیدی، غلبه تفسیر موسع از مفهوم امنیت و فقدان معیارهای عینی برای تفکیک جرایم رسانه‌ای، به حاکمیت رویکردهای محدودکننده بر ضوابط آزادی‌مدار انجامیده است. یافته‌های حاصل از تحلیل رویه‌ها و متون قانونی نشان می‌دهد که فربه‌سازی ابعاد نظارتی بدون تدقیق مرزهای آزادی، کارآمدی حقوقی نظام رسانه‌ای را با چالش مواجه کرده است؛ در پایان، راهکارهایی در جهت استاندارد سازی قواعد تحدیدکننده و حل این تراحم‌های حقوقی پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها:

سیاست‌پژوهی، نظام حقوق رسانه، آزادی بیان، تنظیم‌گری رسانه، امنیت ملی، مطالعه تطبیقی.

۱۸

دوره ۵، شماره ۲، پیاپی ۱۸
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵-۰۱-۱۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵-۰۵-۱۵

صص: ۹۵-۱۱۶

شاپا چاپی: ۲۶۳-۰۲۲۸۳

۱ گروه حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

e.aghamohammadaghahae@iaau-tnb.ac.ir (نویسنده مسئول)

۲ گروه حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱. مقدمه و بیان مسأله

آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات از بنیادی‌ترین ارکان توسعه سیاسی و اجتماعی در جوامع معاصر به شمار می‌روند؛ با این حال، اعمال این حق بنیادین همواره در تزاخم با ضرورت‌های حیاتی دیگری چون حفظ نظم عمومی، عفت عمومی و صیانت از امنیت ملی قرار دارد. در نظام حقوقی ایران، مهندسی قواعد حاکم بر رسانه‌ها پدیده‌ای چند بعدی است که از یک سو ریشه در مبانی فقهی و قانون اساسی دارد و از سوی دیگر، با چالش‌های برآینده از توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی مکتوب و مجازی دست‌وپنجه نرم می‌کند. مسئله اساسی این است که تحدیدهای وارد بر آزادی بیان در قوانین موضوعه (نظیر قانون مطبوعات، قانون مجازات اسلامی و قانون جرایم رایانه‌ای)، به دلیل ابهام در برخی مفاهیم کلیدی و مصادیق امنیتی، از حالت دکترینال خارج شده و گاه به غلبه رویکردهای تفسیری موسع و تضییعی انجامیده است. این فربه‌سازی ساختارهای نظارتی منهای تدقیق ضوابط آزادی، منجر به نوعی تزاخم ساختاری میان حق بر آزادی بیان و خوانش‌های امنیتی-فقهی شده است. لذا، واکاوی ظرفیت‌های نظام حقوق رسانه در ایران با هدف دستیابی به یک الگوی متعادل که هم‌زمان پاسدار آزادی‌های مشروع و امنیت عمومی باشد، ضرورتی انکارناپذیر است. پژوهش حاضر در صدد است تا با نگاهی تحلیلی-انتقادی، گره‌های کور قانونی را بازخوانی کرده و از منظر حقوق عمومی راهکارهایی استاندارد ارائه دهد.

برای ترسیم دقیق جایگاه پژوهش حاضر، پیشینه‌های مرتبط را می‌توان در سه دسته کلی دسته‌بندی و تحلیل نمود:

دسته اول: پژوهش‌های متمرکز بر مبانی فقهی و قانون اساسی در حوزه آزادی بیان:

بسیاری از پژوهشگران پیشین به بررسی ریشه‌های فقهی آزادی بیان و اصول مرتبط در قانون اساسی (مانند اصل ۲۴) پرداخته‌اند. این دسته از آثار تلاش دارند تا اثبات کنند که آزادی بیان نه تنها با مبانی اسلامی مغایرت ندارد، بلکه مورد تأکید است؛ مشروط بر اینکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشد. با این حال، اکثر این پژوهش‌ها رویکردی نظری و تئوریک داشته و کمتر به سازوکارهای عینی اعمال ممیزی یا تفسیرهای قضایی پرداخته‌اند.

دسته دوم: پژوهش‌های متمرکز بر قوانین موضوعه و چالش‌های حقوقی مطبوعات

برخی دیگر از حقوق‌دانان با تمرکز بر قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن، به نقد تعاریف جرایم مطبوعاتی و نحوه برخورد با رسانه‌ها پرداخته‌اند. این آثار عمدتاً بر ابهامات اصطلاحاتی نظیر «تشویش اذهان عمومی»، «توهین به مقدسات» یا «اقدام علیه امنیت ملی» تمرکز کرده و نشان داده‌اند که نبود تعاریف دقیق و معیارهای روشن تفسیر در دادسراها و محاکم مطبوعاتی، امنیت حرفه‌ای خبرنگاران را به مخاطره می‌اندازد.

دسته سوم: پژوهش‌های تطبیقی و رویکردهای نوین رسانه‌ای



با ظهور رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی، بخشی از ادبیات پژوهشی به سمت تحلیل حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال و حکمرانی جمعی فضا تغییر مسیر داده است. این پژوهش‌ها تلاش می‌کنند چالش‌های سنتی حقوق مطبوعات را در بستر مدرن و اینترنت بازتعریف کنند، اما غالباً از ریشه‌یابی عمیق تعارضات ساختاری میان نهادهای نظارتی حاکمیتی و آزادی‌های فردی در متن قوانین مادر غفلت ورزیده‌اند.

پژوهش حاضر در مقایسه با ادبیات موجود در این حوزه، از چند جهت دارای نوآوری اساسی و تمایز ساختاری است:

- کالبدشکافی هم‌زمان ظرفیت‌ها و چالش‌های تقابل ساختاری:

برخلاف پژوهش‌های گذشته که یا صرفاً جنبه‌های حمایتی قانون اساسی را ستوده‌اند و یا تنها به نقد قوانین پرداخته‌اند، این تحقیق با رویکردی منصفانه و هم‌زمان، ظرفیت‌های مترقی قانون اساسی را در کنار چالش‌های جدی ناشی از تداخل مفاهیم امنیتی و فقهی تبیین می‌کند.

- تحلیل تعارض رویکردهای آزادی‌محور در مقابل رویکردهای تحدیدکننده:

نوآوری کلیدی این پژوهش اثبات این فرضیه است که چگونه تقویت ابعاد نظارتی و حاکمیتی بدون شفاف‌سازی مرزهای آزادی بیان، منجر به غلبه عملی رویکرد تضییعی و تحدیدکننده بر رویکرد آزادی‌محور شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که ابهام در معیارهای ارزیابی جرایم رسانه‌ای عملاً کارآمدی کل نظام رسانه‌ای را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

- **ارائه راهکارهای عملیاتی و معیارمحور برای حل تعارض:** پژوهش حاضر صرفاً به توصیف چالش‌ها بسنده نمی‌کند، بلکه با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و کاوش در بنیان‌های فقهی و حقوق موضوعه، راهکارهایی دقیق جهت استانداردسازی قواعد حقوقی و حل تقابل میان آزادی بیان و الزامات امنیت ملی ارائه می‌دهد تا تفسیرهای سلیقه‌ای و تحدیدکننده به حداقل برسد.

چارچوب نظری و مفاهیم بنیادین

۱) مفهوم‌شناسی آزادی بیان و آزادی رسانه:

تفاوت بنیادین حق بر بیان با حق بر رسانه در نظام فقهی، در «تلازم حق و تکلیف» نهفته است. در حالی که آزادی بیان در وهله نخست به عنوان یک حق فردی برای ابراز مافی‌الضمیر (عقاید درونی) شناخته می‌شود، حق بر رسانه در قالب تولید و نشر خبر، ماهیتی «وظیفه‌محور» دارد. از منظر فقهی، رسانه صرفاً یک ابزار برای اعمال حق شخصی نیست، بلکه نهادی است که به دلیل اشراف بر افکار عمومی، مشمول احکام «دروازه‌بانی خبر» می‌گردد؛ لذا در جایی که بیان فردی ممکن است تنها با حرمت کذب یا قذف محدود شود، بیان رسانه‌ای با عناوینی چون «رعایت مصلحت عمومی»، «حفظ نظام» و «امانت‌داری در انتقال حقیقت» گره خورده است که تخلف از آن‌ها، نه تنها مسئولیت اخلاقی، بلکه مسئولیت وضعی و تعزیری سنگین‌تری را به دنبال دارد. (محقق، ۱۴۰۴: ۷۲)

مبنای فقهی آزادی بیان: مبنای فقهی آزادی بیان در اندیشه اسلامی، صرفاً یک حق بشری قراردادی نیست، بلکه ریشه در «قاعده اصالة الاباحه» و «کرامت تکوینی» انسان دارد. از منظر فقهی، بیان یکی از شئون وجودی انسان است و هرگونه محدودیت بر آن نیازمند دلیل قطعی شرعی است؛ لذا اصل بر آزادی است و حظر (منع) محتاج بیان شارع است. علاوه بر این، مبنای فقهی «نصیحت لائمه المسلمین» و فریضه «امر به معروف و نهی از منکر»، آزادی بیان را از سطح یک «حق فردی» به سطح یک «تکلیف اجتماعی» ارتقا می‌دهد؛ به گونه‌ای که صیانت از مصالح عامه و نظارت همگانی بر قدرت، بدون وجود تضمین‌های فقهی برای آزادی بیان ناصحانه و منتقدانه، امکان‌پذیر نخواهد بود.

رسانه‌ها امروزه بسیار فراگیر و متنوع شده و تأثیر بسیار زیادی در اجتماعی شدن و شکل‌گیری و جهت‌دهی به رفتار و نظام رسانه‌ای جامعه ایفا می‌کنند. در عصر حاضر، رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم دموکراسی، نقش محوری در آگاهی‌بخشی، فرهنگ‌سازی، شکل‌دهی به افکار عمومی و تسهیل مشارکت اجتماعی دارند. پیوند با حاکمیت قانون فعالیت‌های رسانه‌ای، از آزادی بیان تا مسئولیت اجتماعی، مستقیماً تحت تأثیر قواعد حقوقی قرار گرفته‌اند تا هم از

به‌طورکلی، حقوق رسانه به بررسی توازن میان دو اصل متضاد آزادی بیان و حفظ نظم عمومی می‌پردازد. از یک‌سو، این حقوق رسانه‌ها را موظف به اطلاع‌رسانی آزاد و بدون ترس از سانسور می‌کنند و از سوی دیگر، به محدودیت‌های قانونی می‌پردازند که رسانه‌ها باید در فعالیت‌های خود رعایت کنند تا از ترویج اطلاعات غلط، نقض حریم خصوصی، خشونت، یا نفرت‌پراکنی جلوگیری کنند. حقوق رسانه‌ها که از نوع حقوق داخلی (یا ملی) به شمار می‌رود، هم با شعبه‌هایی از حقوق عمومی ارتباط پیدا می‌کند و هم با شعبه‌هایی از حقوق خصوصی. برای مثال بسیاری از اصول مسلم حقوق رسانه‌ها نظیر آزادی بیان و آزادی نشر از جمله حقوق اساسی است؛ از سوی دیگر، قوانین رسانه‌ای، و از جمله قانون مطبوعات، به دلیل کوتاهی و اختصار در مورد بسیاری از مسائل ضرورت سکوت کرده و به همین جهت در آن موارد باید تابع قوانین عامی نظیر حقوق مدنی یا حقوق تجارت بود، همان‌گونه که هرگاه از طریق رسانه‌ها به شخصی خسارت وارد آید، دادرسی براساس قواعد کلی مسئولیت مدنی خواهد بود. (اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۷۷ و ۷۸) به این ترتیب، در هر قسمت از حقوق رسانه‌ها، قواعد و مقررات خاص آن بخش حکومت می‌کند و در نتیجه، برخی مقررات این حوزه آمرانه هستند (قاضی، ۱۳۹۹: ۱۴۷-۱۵۰) و برخی دیگر تکمیلی که با توافق طرفین می‌توان آن را به کناری نهاد. برخی جرایم عمومی هستند و برخی خصوصی با درنظرداشتن اینکه هدف تمامی قواعد حقوقی تأمین آسایش و نظم عمومی و اجرای عدالت است، هدف حقوق به تعبیری همان هدف دولت «اجرای نظام عمومی و عدالت است.» (رحمت‌اللهی و آقامحمد آقایی، ۱۴۰۳: ۱۴۷) آزادی بیان در دکتترین حقوق عمومی، صرفاً یک حق بشری ساده نیست، بلکه ارزش ذاتی و ابزاری آن در پاسداری از حاکمیت قانون و تحقق مردم‌سالاری معنا می‌یابد. از منظر فلسفه حقوق، تبارشناسی این حق به نظریاتی همچون «بازار آزاد



اندیشه‌ها» از جان استوارت میل و «نظریه خودشکوفایی انسان» بازمی‌گردد (Barendt, ۲۰۰۷). در این چارچوب، هرگونه مداخله یا پیش‌گیری پیشینی از سوی قدرت عمومی، نیازمند توجیهی فوق‌العاده قوی، مکتوب، شفاف و مضیق است.

(۲) الگوی حکمرانی تنظیم‌گری رسانه

تحول در مفهوم دولت و گذار از «دولت مداخله‌گر» به «دولت تنظیم‌گر»، دکنترین حقوق رسانه نیز دستخوش تغییر شده است. نظریه تنظیم‌گری رسانه بر این فرض استوار است که کثرت رسانه‌ها و خطر شیوع اطلاعات گمراه‌کننده، مداخله قواعد حقوقی را ناگزیر می‌سازد؛ اما این مداخله دیگر از جنس «سانسور دولتی» نیست، بلکه از جنس «تنظیم‌گری مستقل» با هدف حفظ منافع عمومی، تنوع دیدگاه‌ها و پایداری فضای رقابتی است (Varney, & Feintuck, ۲۰۰۶). تنظیم‌گری رسانه عملی‌ترین بخش از مدیریت رسانه است که بر اجرای قوانین و سیاست‌ها متمرکز است. این فرایند شامل نظارت، صدور مجوز، اعمال محدودیت‌ها و رسیدگی به تخلفات رسانه‌ای می‌شود. همانطور که تنظیم‌گری به عنوان شکلی متمایز و برجسته‌ای از حکمرانی ظهور کرده است، نظریه‌هایی که مدعی توجیه و توضیح آن هستند نیز ظاهر شده‌اند. این نظریه‌ها دیدگاه‌های مثبت به فرایندهای تنظیم‌گری در جهت تحقق منفعت عمومی تا تاریک دیدن تنظیم‌گری و عمل کردن به سود منافع شخصی را شامل می‌شود؛ از آن‌هایی که بر ترجیحات و منافع بازیگران تنظیم‌گری تا آن‌هایی که بر ماهیت و تأثیر نهادهای تنظیم‌گر تمرکز دارند؛ این نظریه‌ها در چهار دسته نظریه‌های منفعت عمومی، منفعت خصوصی، روابط نهادی و ایده‌پردازی تقسیم‌بندی می‌شوند (گاپله و همکاران: ۵۱-۵۲). چالش ساختاری نظام حقوقی ایران در این قلمرو، خلط میان مفهوم «نظارت حاکمیتی کنترل‌محور» با مفهوم استاندارد «تنظیم‌گری تعاملی» است. ساختارهایی نظیر هیئت نظارت بر مطبوعات یا ساترا (در حوزه صوت و تصویر فراگیر)، ساختاری عمدتاً حکومتی دارند و از معیارهای استقلال ساختاری و کارکردی که در نظریه‌های مدرن تنظیم‌گری مطرح است، فاصله دارند. این امر سبب می‌شود فرآیند صدور مجوز، نظارت و اعمال ضمانت‌اجراها، به جای رویکردی تسهیل‌گر و پلتفرمی، صبغه‌ای صلب و بازدارنده به خود بگیرد.

(۳) نظریه امنیت ملی در حقوق عمومی: امنیت ملی یکی از مشروع‌ترین مبانی تحدید آزادی‌های عمومی در تمام نظام‌های حقوقی جهان است. با این حال، در دکنترین حقوق عمومی مدرن و بر اساس اسناد بین‌المللی (نظیر اصول ژوهانسبورگ)، ارتباط میان محدودیت اعمال شده و خطر متوجه به امنیت ملی باید واجد سه ویژگی باشد: «قانونی بودن»، «مشروعیت هدف» و «ضرورت در یک جامعه دموکراتیک» (Mendel, ۲۰۱۲). طبق این نظریه، دولت تنها زمانی مجاز به تحدید رسانه به بهانه امنیت است که پیوند مستقیم، عینی و قریب‌الوقوع میان محتوای رسانه‌ای و وقوع خشونت یا فروپاشی نظم عمومی احراز شود. در سیستم حقوق رسانه ایران، بازخوانی قوانین (مانند مواد ۵۰۰، ۵۱۳ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و بندهای ماده ۶ قانون مطبوعات) نشان می‌دهد که مفاهیمی چون «تبلیغ علیه نظام»، «تشویش اذهان عمومی» یا «اقدام علیه امنیت ملی»، واجد ابهام مصداقی بوده و فاقد معیارهای عینی دکنترین حقوقی هستند (اسماعیلی،

۱۳۹۷). این ابهام سبب می‌شود که مرز میان «نقد ساختاری قوانین و کارگزاران» با «تهدید امنیت ملی» مخدوش شده و غلبه نگاه امنیتی-حفاظتی بر نگاه حق‌مدارانه، کارکرد دیده‌بانی رسانه‌ها را تضعیف کند

تعارض آزادی بیان با امنیت ملی (در ایران، مصر، فرانسه)

در نظام اسلامی، امنیت ملی بر پایه نظریه «حفظ نظام» (به عنوان اوجب واجبات) تعریف می‌شود. تعارض میان آزادی بیان و امنیت ملی در فقه سیاسی، از باب تراحم دو مصلحت است: مصلحت «آزادی و نقد» در برابر مصلحت «بقاء و ثبات جامعه». از منظر جدید فقه امنیت، آزادی بیان تا جایی مورد حمایت شرع است که منجر به «وهن نظام» یا «تسلط اجانب» (قاعده نفی سبیل) نگردد. لذا هرگاه بیان فردی یا رسانه‌ای، کیان جامعه اسلامی را با خطر مواجه کند، حاکم اسلامی براساس «ولایت بر حسب» و با استناد به مصلحت مرسله، حق محدودکردن این آزادی را خواهد داشت؛ با این ملاحظه که محدودیت باید لزوماً «متناسب»، «موقت» و «ضروری» باشد تا به اصل کرامت انسانی خدشه‌ای وارد نشود. (خوشنودی، ۱۴۰۳: ۹۸) در حقوق فرانسه براساس قانون مطبوعات ۱۸۸۱، اصل بر آزادی مطلق است و محدودیت‌های امنیت ملی صرفاً جنبه استثنایی و پسینی دارند (انصاری، ۱۴۰۲: ۲۱۰). مصر در قانون تنظیم رسانه ۲۰۱۸، رویکردی مشابه ایران در حفظ «نظم عمومی» و «عدم توهین به ادیان» اتخاذ شده است (هاشمی، ۱۴۰۱: ۳۴۲). وجه تمایز ایران در «ماهیت فقهی» محدودیت‌هاست؛ جایی که صیانت از شعائر دینی بر اساس اصل ۲۴ قانون اساسی، وزنی معادل امنیت ملی دارد (مهرپور، ۱۴۰۱: ۲۸۲). دکترین آزادی‌محور و تنظیم‌گری مستقل مبنای بنیادین حقوق رسانه در فرانسه، را می‌توان در ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ و قانون تاریخی ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ راجع به آزادی مطبوعات مشاهده کرد. در این سیستم، «اصل بر آزادی مطلق بیان» است و تحدیدهای آن (مانند افتراء، توهین یا تحریک به خشونت) جنبه کاملاً استثنایی و مضیق دارند. نقطه قوت نظام فرانسه در عصر پلتفرم‌ها، مدل تنظیم‌گری آن است. نهاد عالی تنظیم‌گری رسانه در فرانسه، کومکام (Arcom) (که از ادغام CSA و HADOPI شکل گرفت)، یک نهاد کاملاً مستقل اداری است. اعضای این نهاد توسط دولت انتصاب مستقیم کنترل‌محور نمی‌شوند، بلکه فرآیند انتصاب به گونه‌ای است که استقلال آن از قوه مجریه حفظ شود. در فرانسه، دولت حق توقیف پیشینی یا خودسرانه رسانه‌ها را ندارد و هرگونه برخورد با تخلفات رسانه‌ای صبغه‌ای کاملاً قضایی و پسینی دارد. حتی در مواجهه با «اخبار جعلی» (قانون ۲۰۱۸ فرانسه)، مداخله محدود به زمان انتخابات و با دستور فوری قاضی دادگاه صادر می‌شود تا امنیت ملی مایه سلب اصالت حق نگردد. نظام حقوقی مصر با چالش موازنه مصلحت و اقتدارگرایی مواجه است. طبق قانون اساسی ۲۰۱۴، مبانی شریعت اسلام را منبع اصلی قانون‌گذاری می‌داند و از این حیث با ایران شباهت‌هایی دارد. ماده ۷۱ قانون اساسی مصر سازسور، توقیف یا تعطیلی رسانه‌ها را ممنوع کرده است، مگر در زمان جنگ یا بسیج عمومی. با این حال، در لایه قوانین عادی (قانون تنظیم مطبوعات و رسانه‌ها مصوب ۲۰۱۸)، دولت مصر رویکردی کنترل‌محور اتخاذ کرده است. شورای عالی تنظیم‌گری رسانه‌ها (SCMR) در مصر، برخلاف فرانسه،



وابستگی شدیدی به ریاست جمهوری و بدنه حاکمیت دارد. این شورا اختیارات موسعی برای مسدودسازی حساب‌های شبکه‌های اجتماعی (با بیش از ۵ هزار دنبال‌کننده) به بهانه انتشار «اخبار جعلی» یا «تهدید امنیت ملی» دارد. تفاسیر حقوق عمومی در مصر تمایل شدیدی به اولویت‌بخشی به نظم و امنیت حاکمیتی بر آزادی‌های فردی دارند؛ امری که شباهت‌های ساختاری زیادی با رویه‌های تنظیمی در نظام حقوقی ایران ایجاد کرده است. در حقوق رسانه ایران، اصل ۲۴ قانون اساسی آزادی را پذیرفته اما آن را مقید به عدم اخلاف به «مبانی اسلام» و «حقوق عمومی» کرده است. چالش بنیادین این نظام حقوقی، نبود یک نهاد تنظیم‌گر مستقل است. «هیئت نظارت بر مطبوعات» ساختاری کاملاً حاکمیتی دارد و در حوزه فضای مجازی و صوت و تصویر فراگیر نیز «ساترا» به عنوان بخشی از بدنه صدا و سیما (که خود ذی‌نفع و رقیب رسانه‌ای است) عمل می‌کند. بر خلاف نظام فرانسه که رویکردی پسینی و دکترینال دارد، در ایران رویکرد پیشینی (مانند لزوم اخذ مجوزهای صلب، فیلترینگ و توقیف‌های موقت اداری/قضایی) غلبه دارد. ابهام در تعاریف جرایم امنیتی سبب شده که وزن رویکرد محدودکننده از ظرفیت‌های آزادی‌مدار قانون اساسی بیشتر شود.

جدول تطبیقی شاخص‌های نظام حقوق رسانه و تحدید آزادی بیان

جمهوری عربی مصر	فرانسه	جمهوری اسلامی ایران	شاخص حقوقی
شریعت اسلامی و حفظ اقتدار نظم عمومی	دکترین حقوق بشر و بازار آزاد اندیشه‌ها	حقوق اسلامی و مصلحت حاکمیت اسلامی	مبنای فلسفی/حقوقی
شورای عالی تنظیم رسانه‌ها - SCMR (وابسته به دولت)	کومکام - Arcom (نهاد مستقل اداری و غیردولتی)	هیئت نظارت بر مطبوعات / ساترا (حاکمیتی-دولتی)	نهاد اصلی تنظیم‌گر
نظارت ترکیبی با غلبه بازدارندگی امنیتی پیشینی	نظارت کاملاً پسینی (قضایی و مبتنی بر مسئولیت مدنی)	غلبه نظارت پیشینی (مجوز محور و توقیف پیشینی)	رویکرد نظارتی نظامات
تفاسیر گسترده دولتی (حفظ ثبات سیاسی و مبارزه با تروریسم)	ضرورت مضیق در جامعه دموکراتیک (اثبات خطر عینی و قریب‌الوقوع)	تفاسیر موسع (مفاهیمی چون تبلیغ علیه نظام و تشویش اذهان)	معیار تحدید به بهانه امنیت
تحت نظارت شورا (امکان انسداد اکانت‌های بالای ۵ هزار مخاطب)	تنظیم‌گری تعاملی و مسئولیت‌سازی پلتفرم‌ها در چارچوب DSA	فیلترینگ ساختاری و ابهام در مراجع تنظیم‌گر پلتفرمی	جایگاه رسانه‌های دیجیتال
مسدودسازی، جرمه‌های اداری سنگین و حبس در جرایم خاص	جریمه‌های مالی سنگین پلتفرم، الزامات جبران خسارت مدنی	لغو پروانه، توقیف رسانه و مجازات‌های کیفری نویسنده	ضمانت اجرای تخلفات

برای حل تعارضات، گذار از «نظارت سلیقه‌ای» به «دادرسی تخصصی» و حصری کردن عناوین مجرمانه در قانون مطبوعات ضرورتی انکارناپذیر است (مرادی برلیان، ۱۴۰۲: ۱۸). پیشنهاد می‌گردد «منشور نقد مصلحانه» بر پایه فقه پویا تدوین شود تا مرز میان نقد عملکرد مسئولین و اهانت به مقدسات روشن گردد.

ظرفیت‌های قانونی در نظام حقوق رسانه‌ای ایران

مجموع قانون اساسی و دو قانون مطبوعات و آزادی دسترسی به اطلاعات، اسناد تضمین کننده آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی اطلاعات، در ایران می‌باشند. (مومنی‌راد، پتفت: ۱۳۹۲) قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی) چارچوب اصلی فعالیت رسانه‌های چاپی و الکترونیکی در نظام حقوق رسانه ایران را ترسیم می‌کند و به رسالت، حقوق، شرایط فعالیت و تخلفات آن‌ها می‌پردازد. (رحمانی، ۱۳۹۹: ۹۳)

قانون اساسی و مرزهای آن (مبانی اسلام و حقوق عمومی)

در عصر حاضر، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی به مهم‌ترین بسترهای اعمال آزادی بیان تبدیل شده‌اند. گسترش فزاینده این رسانه‌ها از یک سو فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای تبادل افکار ایجاد کرده و از سوی دیگر چالش‌های اخلاقی جدیدی پدید آورده است. (باختری و سرایی، ۱۴۰۴: ص ۷۶) آزادی بیان یکی از اصول بنیادی حقوق بشر است که در اغلب اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR-۱۹۴۸) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶-ICCPR) تأکید شده است. حق آزادی بیان از عناصر مختلفی تشکیل شده است که هر یک از این عناصر، جزئی از آزادی بیان را می‌سازند و شامل: آزادی اندیشه، عقیده و نظر - آزادی ابراز آن - آزادی اشاعه و ترویج عقاید و افکار - آزادی تعیین مفاد بیان - آزادی تعیین مخاطب بیان - آزادی انتخاب وسیله بیان - آزادی دریافت بیان و آزادی در جستجوی اطلاعات.

اهمیت و جایگاه آزادی بیان در نظام حقوقی و مفهومی که از این آزادی برداشت می‌شود آثار مهمی بر وضع اجرا و تفسیر قوانین و مقررات رسانه‌ای و به دیگر سخن بر وضعیت حقوقی رسانه‌ها و مسائل ارتباط جمعی دارد. در نظام حقوقی ایران، حقوق رسانه ترکیبی از اعطای آزادی‌ها و تعیین هم‌زمان حدود و استثنائات این آزادی‌ها است. قانونگذار در فصل سوم قانون اساسی، آزادی افراد را تا آن حد که به حقوق و آزادی دیگران، نظم عمومی و مبانی اسلامی ضرر نرساند، مورد تأکید قرار داده است. (قریشی، ۱۴۰۱: ۲۲۳) قوانین و مقررات مهمی که محدودیت‌های آزادی بیان در آنها پیش‌بینی شده است عبارت‌اند از: آزادی بیان و محدودیت‌های آن در اصول ۲۴ و ۱۷۵ قانون اساسی مورد توجه واقع شده است. قانون اساسی اصل آزادی بیان و انتشار مطالب را به عنوان یک حق بنیادین برای نشریات و مطبوعات پذیرفته است. این به معنای بهر سمیت شناختن نقش رسانه در آگاهی‌بخشی، نظارت بر عملکرد مسئولین و گردش آزاد اطلاعات است. اصل ۲۴ از عدم‌اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی با عنوان محدودیت‌های آزادی مطبوعات نام برده است:



۱- اخلال در مبانی اسلام: هر گونه مطلبی که به اساس دین اسلام یا مقدسات دینی خدشه وارد کند، ممنوع است. تنها مرجع صالح تشخیص جرم، دادگاه با حضور هیئت منصفه است. (قاضی، ۱۳۹۲: ۵۹۲)

۲- اخلال در حقوق عمومی: این قید شامل مواردی مانند امنیت ملی، نظم عمومی، هتک حرمت اشخاص، افتراء و اشاعه فحشا می شود. نکته مهم بر اساس این اصل، تعیین مصادیق این محدودیت ها و تفصیل قوانین اجرایی بر عهده قانون عادی (مانند قانون مطبوعات) است. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۸۷)

ابهام در تعریف «مبانی اسلام» و «حقوق عمومی» یکی از زمینه های اصلی تفسیر و چالش در نظام حقوقی ایران است. البته شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص تبیین و شناخت مفهوم «مبانی اسلام»، مصوبه جامع و مشخصی را با عنوان «تعریف و تبیین مبانی، اصول و اهداف تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۹۰ به تصویب رسانده است. اعمال و استیفای آزادی بیان در رسانه های همگانی همانند اعمال سایر حقوق چارچوب و حدود معینی دارد. منظور از حدود، حدود ناظر بر محتواست نه حدود شکلی. این حدود در دو دسته تقسیم بندی می شوند دسته ای از آنها جنبه اخلاقی و دسته دیگر جنبه حقوقی دارد.

اصل ۱۷۵ نیز آزادی بیان و نشر افکار در رادیو تلویزیون را به رعایت موازین اسلام و تأمین مصالح کشور محدود کرده است. علاوه بر اصل ۲۴، اصول دیگری در قانون اساسی به صورت غیرمستقیم، حقوق رسانه و خبرنگاران را تقویت می کنند: (اصل ۲۳ - ممنوعیت تفتیش عقاید)، (اصل ۲۰ - تساوی در حمایت قانون)، (اصل ۱۶۸ - رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی)، (اصل ۲۵ - ممنوعیت سانسور و تجسس)

قانون مطبوعات و اصلاحات آن

واکاوی تحولات تقنینی نظام رسانه ای در ایران سیر تحول قوانین رسانه ای در ایران نشان دهنده تطور رویکرد حاکمیت از نظارت های محتوایی-انقلابی به سمت چالش های فضای دیجیتال و شفافیت است. در دهه ۶۰، تصویب قانون مطبوعات (۱۳۶۴) با تمرکز بر رسالت اسلامی و انقلابی، پایه های نظارت پیشینی بر مطبوعات را بنا نهاد (معمد نژاد، ۱۳۹۱: ۵۴). این روند در دهه ۷۰ با تصویب اصلاحیه قانون مطبوعات (۱۳۷۹) وارد فاز جدیدی از سخت گیری های قانونی شد که طی آن مسئولیت های کیفری مدیر مسئول و نویسنده افزایش یافت و دایره ممنوعیت ها گسترده تر شد (انصاری، ۱۳۹۷: ۱۱۲). با ورود به دهه ۸۰ و ظهور رسانه های نوین، قانون جرایم رایانه ای (۱۳۸۸) به منظور تسری جرایم سنتی به فضای سایبر و جرم انگاری مصادیق جدید محتوایی تدوین گردید (زرکلام، ۱۳۹۴: ۷۸). اما در دهه ۹۰، شاهد یک چرخش گفتمانی مهم با تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (۱۳۹۳) بودیم؛ قانونی که برخلاف رویکردهای محدودکننده پیشین، بر حق دانستن شهروندان و تکلیف نهادهای عمومی به شفافیت تأکید داشت (انصاری، ۱۳۹۷: ۳۰۵).

این سیر تحولی نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران به تدریج در حال گذار از نگاه حراستی محض به سمت پذیرش نقش نظارتی رسانه‌ها است، هرچند که همچنان چالش تعارض این قوانین با قرائت‌های سنتی از امنیت ملی پابرجاست. این تحولات نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای انطباق با ضرورت‌های زمان و مکان است که در فقه امامیه نیز به عنوان یک اصل پویا پذیرفته شده است.

قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی برای فعالیت‌های رسانه‌ای حدود زیر پیش‌بینی شده است:

عدم انجام فعالیت تبلیغی علیه نظام به نفع گروه‌ها یا سازمان‌های مخالف نظام (ماده ۵۰۰) عدم توهین به مقدسات اسلام یا انبیاء عظام یا ائمه طاهرين^(ع) یا حضرت زهرا^(س) (ماده ۵۱۳)، عدم توهین به امام خمینی یا مقام معظم رهبری (ماده ۵۱۴)، عدم توهین به افراد (ماده ۶۰۸ و ماده ۶۹۷)، عدم جریحه‌دارکردن عفت و اخلاق عمومی (بند ۱ ماده ۶۴۰ بند ۳ ماده ۶۴۱)، عدم نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی (ماده ۶۹۸)

قانون جرایم رایانه‌ای

قانون جرایم رایانه‌ای ایران با اتخاذ رویکردی حداکثری در جرم‌انگاری، مرز میان نقد مشروع و جرایمی نظیر نشر اکاذیب یا اهانت را بیش از پیش مبهم ساخته است. در حالی که در نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته، اصل بر صیانت از جریان آزاد اطلاعات است، مقررات این قانون به گونه‌ای تدوین شده‌اند که بستر را برای تفسیرهای مضیق از آزادی بیان و تحدید فعالیت‌های رسانه‌ای در فضای مجازی فراهم می‌آورند. (انصاری، ۱۳۹۶: ۲۱۴) در فقه امامیه، اگرچه اصل بر حرمت اضرار به غیر و صیانت از آبروی اشخاص است، اما حق بر «نصیحت» و «نقد مشفقانه» کارگزاران، به عنوان یک تکلیف شرعی، استثنایی بر اطلاق برخی عناوین مجرمانه در فضای مجازی محسوب می‌شود. از این منظر، جرم‌انگاری مطلق انتشار مطالبی که فاقد قصد «افک» (دروغ‌پردازی هدفمند) هستند، با مبانی فقهی آزادی بیان در تعارض است؛ چرا که در تشخیص «تشویش اذهان عمومی»، نباید میان «نقد مصلحانه» و «نشر اکاذیب» خلط نمود و قاعده «درأ» مقتضی آن است که در موارد تردید در قصد مجرمانه، حکم به برائت صادر شود. (کشاوری، ۱۴۰۴: ۱۷) در نتیجه:

۱. قاعده لاضرر: حامیان قانون به این قاعده برای صیانت از حیثیت افراد در فضای مجازی استناد می‌کنند.
۲. قاعده درأ: منتقدان فقهی معتقدند به دلیل ابهام در مفهوم «تشویش اذهان عمومی»، باید طبق این قاعده از مجازات سخت‌گیرانه اجتناب کرد.
۳. تراحم مصلحت: در فقه حکومتی، حفظ نظام در برابر شایعات فضای مجازی به عنوان یک «مصلحت ملزمه» برای تحدید آزادی بیان مطرح می‌شود.



نظارت بر رسانه؛ چالش‌های فقهی و الزامات قانونی

نظارت به‌عنوان مهم‌ترین کلیدواژه در حقوق عمومی در تمام افعال حوزه عمومی از جمله رسانه اجتناب‌ناپذیر است؛ اما مهم‌تر از نفس نظارت مقام ناظر، صلاحیت‌های نظارتی و استانداردهای نظارت است. در نظام حقوقی ایران نظارت بر رسانه پیش از انتشار با صدور مجوز آغاز می‌شود (ماده ۷ قانون مطبوعات اصلاحیه سال ۱۳۷۹) و از طریق دستگاه قضایی و اداری ادامه می‌یابد که در همین زمینه نیز با اختلاف‌ها و تداخل صلاحیت‌ها روبرو هستیم. در این نظام اثری از نظارت تخصصی و صنفی و نهادهای خود تنظیم‌گر نیست و تنها نهاد صنفی این حوزه فعالیت ندارد و در دوران فعالیت نیز دارای صلاحیت نظارتی نبود. (ویژه و قشلاقیان، ۱۴۰۳: ۲)

نظارت بر رسانه به‌عنوان یکی از ابزارهای هدایت، کنترل و ارتقای کیفیت محتوای رسانه‌ای، در جوامع مختلف با معیارهای گوناگونی ارزیابی می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران، این مقوله افزون بر قوانین حقوقی، در آموزه‌های فقه اسلامی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. تلفیق دو رویکرد فقهی و حقوقی در نظارت بر رسانه چالش‌ها و الزامات خاص خود را دارد که شناخت آن برای تدوین سیاست‌های رسانه‌ای ضروری است. فقه شیعه با استناد به اصولی چون امر به معروف و نهی از منکر، دفع مفسده و حفظ نظام نظارت بر رسانه را در شرایط خاصی مجاز و بلکه واجب می‌داند. از سوی دیگر، قوانین موضوعه نیز با تأکید بر حقوق عمومی، نظم اجتماعی و منع انتشار مطالب خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی، چهارچوب‌هایی برای این نظارت ارائه می‌دهند.

تلفیق رویکرد فقهی و حقوقی، امکان تعریف نظامی هماهنگ و مشروع برای نظارت بر رسانه را فراهم می‌سازد؛ با این حال، حفظ تعادل میان آزادی بیان و الزامات شرعی و قانونی نیازمند تبیین دقیق حدود و مرزهای این نظارت است. (ابوالمعصومی، ۱۴۰۴: ۱۳۷) علاوه بر چارچوب‌های سنتی مذکور در ماده ۷ قانون مطبوعات (اصلاحی ۱۳۷۹)، امروزه نظام نظارتی با ظهور «رسانه‌های هوشمند» و «سکوه‌های انتشار» وارد پارادایم جدیدی شده است. از منظر فقهی، اگرچه اصل «نفی مفسده» و «صیانت از نظم عمومی» همچنان بنیاد مشروعیت نظارت را تشکیل می‌دهند، اما در فقه رسانه نوین، قاعده «حق بر دانستن» به عنوان مقدمه‌ی واجب برای تحقق نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) مورد بازخوانی قرار گرفته است. (فضلی، ۱۴۰۱: ۸۵) از سوی دیگر، در ساحت حقوق موضوعه، با تصویب «سند کلان الزامات فضای مجازی (۱۴۰۱)»، نظارت از شکل صرفاً قضایی-اداری به سمت «نظارت الگوریتمیک» متمایل شده است. این تحول، ضرورت توازن میان امنیت ملی و حقوق بنیادین شهروندان را دوچندان می‌کند؛ چرا که هرگونه تحدید آزادی بیان در عصر دیجیتال، نه تنها باید مستند به قانون، بلکه باید با موازین «عدالت فقهی» و عدم اضرار به حقوق خصوصی افراد هم‌سو باشد (انصاری، ۱۴۰۳: ۱۱۲). نظارت و محدودیت‌ها بر رسانه‌ها می‌توانند به دلایل مختلف مانند حفظ امنیت ملی، جلوگیری از نشر اطلاعات کذب یا آسیب به هویت فردی اعمال شوند.

احترام به حریم خصوصی افراد

یکی از چالش‌های مهم حقوق رسانه‌ها در دنیای دیجیتال، حفاظت از حریم خصوصی افراد است. رسانه‌ها باید اطلاعات شخصی افراد را بدون رضایت آن‌ها فاش نکنند، مگر اینکه منافع عمومی ایجاب کند. (اصول ۲۵ قانون اساسی) رسانه قدرت خود را از تکنولوژی اخذ می‌کند، بدین معنی که رسانه‌ها در همه جای جهان بدون تکنولوژی، صرفاً یک «مفهوم» یا «اراده برای بیان» است؛ اما تکنولوژی است که به این اراده، بُرد (Reach)، سرعت و نفوذ می‌بخشد. در واقع، تکنولوژی «بلندگوی» رسانه نیست، بلکه «ستون فقرات» آن است که به آن اجازه می‌دهد بر افکار عمومی حکمرانی کند. از دیگر سو، رسانه‌های عمومی و خصوصی که امروزه در همه تاروپود زندگی بشر نفوذ کرده‌اند، همواره این حریم را در معرض تهدید قرار می‌دهند، به گونه‌ای که انسان امروزه چندان نقطه امنی برای خود نمی‌یابد. از یک سو مسئله آزادی بیان، افکار و اندیشه‌ها و از سوی دیگر پاسداشت منافع فردی و جمعی؛ از یک سو حق حفظ حریم معنوی افراد و از سوی دیگر حق اطلاع‌رسانی به جامعه. (نعیمی، ۱۳۹۴: ۱)

ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، از حق انسان‌ها به داشتن حریم خصوصی، صحبت می‌کند، در واقع همانطور که شورای حقوق بشر در قطعنامه ۳۴/۷ اذعان دارد، هرگونه دخالت در حریم خصوصی افراد باید طبق قانون و با احترام به اصول ضرورت و تناسب انجام گیرد. (رزمخواه، ۱۴۰۴: ۱۰) حریم خصوصی به عنوان یکی از عینی‌ترین و ارزشمندترین مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته است و ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد؛ ولی در نظام حقوقی کشورها اختلاف نظرانی در تعریف این حق وجود دارد چرا که این موضوع به شدت به فرهنگ و محیطی که در آن عمل می‌کنند، بستگی دارد. خسارات ناشی از حریم خصوصی غالباً جنبه معنوی دارند. قواعد مسئولیت مدنی، زیان‌های ناشی از نقض حریم خصوصی داده‌ها را پوشش می‌دهد. در این راستا به نظر می‌رسد تدوین قانون جامع در باب مسئولیت مدنی در رسانه‌های گروهی ضروری است. (اصلانی، جعفری، سلمان‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۳۱)

ممانعت از نشر اطلاعات نادرست و شایعات

گسترش رسانه‌های ارتباطی نوین، به‌ویژه پیام‌رسان‌های اجتماعی، تغییرات گسترده‌ای در نظام‌های تولید، دسترسی و کاربری آسان و ارزان این پیام‌رسان‌ها دلیل مضاعفی بر تسهیل تولید خبر و اطلاعات شده و در نتیجه موجب نشر و بازنشر وسیع و سریع اطلاعات، اخبار جعلی شده است. بر همین مبنا مقابله با نشر اخبار جعلی تبدیل به یک مطالبه همگانی در جهان شده است و تمامی کشورها سعی در مقابله با آن دارند (شهریور و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۰)، که شامل ارائه اصلاحات یا عذرخواهی در صورت انتشار اطلاعات اشتباه، ارائه اطلاعات دقیق، جلوگیری از پخش اخبار نادرست، و ترویج فرهنگ احترام به حقوق انسانی است. (مواد ۳۰ به بعد قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) شناسایی حقوق مخاطبین و کاربران این رسانه‌ها و در مقابل، مشخص شدن تکلیف کاربران و متولیان رسانه، امری مهم و ضروری به



نظر می‌رسد. در این راستا، اصولی چون بررسی دوطرفه و استناد به منابع معتبر نقش اساسی دارند. اقدامات مقابله با اطلاعات خلاف واقع به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند. اولین مورد، اطلاع‌رسانی صحیح و آگاه‌سازی عمومی است. اقدامی که مطابق بند ۲ اصل سوم قانون اساسی یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران تلقی شده است. دومین اقدام راستی‌آزمایی و حقیقت‌سنجی است؛ فرایندی که شامل بررسی صحت اطلاعات و اخبار منتشر شده است. سومین اقدام افزایش سواد رسانه‌ای است؛ اقدامی کاربر و مخاطب‌محور که می‌تواند ساده‌ترین راه برای مقابله با نشر این اطلاعات و اخبار جعلی باشد. چهارمین اقدام، اقدامات قانونی و قضایی در قبال تولید و نشر اخبار جعلی به‌عنوان مؤثرترین پیشنهاد به‌منظور عملی‌ساختن این اقدامات است (شهریور و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۶-۹۴).^۱ IPSO (نهاد ناظر بر روزنامه‌ها و مجلات در بریتانیا) در آئین‌نامه حرفه‌ای سردبیران چنین بیان داشت که «در مواردی که اشتباهی معنادار منتشر شده، رسانه موظف است با سرعت و با برجستگی مناسب، اصلاحیه را منتشر کرده و در صورت لزوم، حق پاسخ را برای فرد متضرر فراهم کند. این اقدام نه یک لطف، بلکه یک وظیفه اخلاقی برای حفظ اعتماد عمومی به حرفه روزنامه‌نگاری است.» (۲۰۲۱)

(IPSO, , Clause ۱: Accuracy)

رعایت اخلاق رسانه‌ای

اخلاق رسانه‌ای یکی از بایسته‌های مهم دیگر است که به رسانه‌ها توصیه می‌کند که در نشر اخبار، اصول اخلاقی را رعایت کنند. این اصول شامل: احترام به کرامت انسانی، اجتناب از تحقیر و توهین، حمایت از حقوق زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر، همچنین احترام به مبانی قانون اساسی در مقابله با مظاهر نفرت‌پراکنی و حقوق اقلیت‌ها و جلوگیری از ترویج نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و (اصول ۲، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۳ قانون اساسی) اصول و هنجارهای اخلاق رسانه شامل درستی، دقت، عینیت، بی‌طرفی، انصاف و پاسخ‌گویی به عموم است. رعایت این اصول به ارتقای سطح فرهنگ عمومی و حمایت از حقوق انسان‌ها کمک می‌کند. تدوین اصول اخلاق حرفه‌ای و تشویق اصحاب رسانه‌ها به اجرای آن، ضمن آن که هزینه‌های مادی و معنوی دولت در وضع قوانین و نظارت بر اجرای آن را کاهش می‌دهد، چون با تمایلات و انگیزه‌های درونی فعالان رسانه‌ها همسو است، ضمانت اجرای بیشتری خواهد داشت. این در حالی است که یکی از انتقادات وارد بر قوانین رسانه‌ای موجود در کشورها خلط مرزهای حقوق و اخلاق است. (۱ سماعیلی، ۱۳۸۳: ۹۴) در عمل خودتنظیمی رسانه به ندرت آن‌گونه که ادعا می‌شود موفق است و در بسیاری از زمینه‌های نوین رسانه‌ای (مثلاً اینترنت و تلویزیون دیجیتال) احتمال موفقیت آن کم است، هرچند در برخی موارد به‌عنوان مکمل نظارت دولتی مفید بوده است. «اگر پنج عامل اصلی موفقیت یا شکست خودتنظیمی (انگیزه‌های صنعتی، توانایی دولت برای تنظیم، استفاده از استانداردهای قابل اندازه‌گیری، مشارکت عمومی، ساختار صنعت) در نظر گرفته شود، خودتنظیمی در بسیاری موارد نمی‌تواند به‌طور کامل

جایگزین مقررات رسمی شود.» (Campbell, ۱۹۹۹: ۷۷۰-۷۴۹) «خودتنظیمی، با وجود نقش مهم در تضمین کیفیت حرفه‌ای و استقلال رسانه، نیازمند توسعه و سازگاری با تحولات فناوری و انتظارات اجتماعی است.» (Eberwein, ۲۰۲۴) فناوری‌های رسانه‌ای جهان ذهنی جوامع را تغییر داده‌اند. این تغییرات، همگام با تغییرات شتابان و پر سرعت فناوری‌ها نتایج گوناگونی را برای افراد به همراه داشته‌اند. مهم‌ترین این تفاوت‌ها، تفاوت در نگرش‌های معرفتی هر نسل است. نظام معرفتی هر دوره ساخت‌پذیر است و عاملیت اصلی برای ساخت هر نسل، رسانه‌ای است که هر نسل از آن استفاده می‌کند. به عبارتی، می‌توان از عاملیت رسانه در تغییرات نسلی به عنوان جامعه‌پذیری رسانه‌ای یادکرد. (منتظر قائم و کاشفی فر، ۱۴۰۱: ۵۷) نقش رسانه‌ها در ترویج حکمرانی خوب و کنترل فساد بسیار مهم است و رسانه‌های آزاد، مستقل و سختگیر می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری از فساد ایفاء کنند. رسانه‌ها نه تنها آگاهی‌های عمومی در مورد فساد، دلایل، نتایج و راه‌حل‌های احتمالی را افزایش می‌دهند بلکه به بررسی و گزارش بروز فساد نیز می‌پردازد. (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۱) رسانه‌ها می‌توانند با تأسی از سیاست‌های دولت متبوع خود و ایدئولوژی حاکم و تمکین به آن به تحقق گفتمان عدالت اجتماعی کمک نمایند، گرچه برخی دولت‌ها با تحدید آزادی رسانه‌ها با آگاهی از میزان تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی بر افکار عمومی تلاش می‌کنند تا با سانسور گسترده اخبار، حقیقت را آن‌گونه که می‌خواهند تحریف نمایند. این نیازمند بازنگری در اصل مسئولیت اجتماعی رسانه و ایجاد نظام مخصوص حمایت از آزادی رسانه‌های جمعی در زمان مناصمات و نیز تبیین مبانی جامعه‌شناسی رسانه انقلابی و تقویت و افزایش این‌گونه رسانه‌ها در حوزه ارتباطات اجتماعی است. (آراسته و صنیعی، ۱۴۰۳: ۱۳۷)

پذیرش مسئولیت در برابر اشتباهات و اصلاح آن‌ها (حق پاسخ)

اگر دسترسی آزادانه به اطلاعات را یک حق بنیادین بدانیم بی‌تردید در این صورت آزادی رسانه در یک چارچوب اخلاقی همراه با مسئولیت اهمیت می‌یابد. این مسئولیت‌پذیری در دنیای دیجیتال که اخبار و اطلاعات به سرعت منتشر می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد. «حق پاسخ در دنیای مدرن دیجیتال، دیگر تنها یک حق شخصی برای شاکی نیست، بلکه ابزاری برای تضمین "تکثرگرایی" در فضای عمومی است. با این حال، مرز باریکی میان تصحیح خطا و مداخله در قضاوت حرفه‌ای سردبیر وجود دارد که تنها با قوانین دقیق و محدودکننده قابل مدیریت است.» (Koltay, ۲۰۱۳, P. ۱۸۱) حق پاسخ بدین معنی است که در صورتی که شخصی در رسانه‌های جمعی مورد حمله، هتک حیثیت، توهین قرار گیرد، این امکان را داشته باشد تا واکنش خود را در قالب پاسخ در رسانه‌ای که اعم از مطبوعات، رادیو و تلویزیون و اینترنت (اظهارات اولیه در آن پخش شده است منتشر کند) و روشی مؤثر برای حفاظت از آبرو و حیثیت خدشه‌دار شده اشخاص است؛ چرا که گاه جبران خسارت معنوی به شیوه‌های قضایی از نظر زمانی و هزینه برای فرد مطلوب نیست و گاه فاقد اهمیت است. از سوی دیگر، حق پاسخ از حقوق کسانی که در مقایسه با افرادی که بر رسانه‌ها کنترل دارند و در موقعیت



ضعیف‌تری قرار دارند، حمایت می‌کند. آزادی ارتباطات و رسانه ملازمه‌ای با نفی مسئولیت ندارد و آزادی را باید با تکلیف به اطاعت از قانون و احترام به آزادی دیگران سازش داد. (انصاری و احمدوند، ۱۴۰۲: ۴۰۰ و ۴۱۶). ساز و کار موجود برای حق تصحیح از منظر سیاست جناحی نیز اقدامی مثبت به شمار می‌رود. زیرا مدعی پس از پخش پاسخ او به مطالبی که علیه وی در مطبوعات و یا صدا و سیما بیان شده است، نیازی به مراجعه به مراجع قضایی و توسل به اقدامات کیفری نخواهد داشت. از این رو حق تصحیح اقدامی در جهت سیاست قضازدایی تلقی می‌شود. (نجارها، ۱۴۰۱: ۴۳) «حق پاسخ به‌عنوان تعادلی ضروری میان آزادی بیان رسانه‌ها و حق حفظ شهرت افراد عمل می‌کند. نتیجه نهایی این است که این حق نباید به معنای تحمیل محتوا به سردبیر باشد، بلکه باید صرفاً زمانی اعمال شود که برای اصلاح حقایق نادرست و جلوگیری از گمراهی افکار عمومی ضروری است.» (Barendt et al., ۲۰۱۳, PP. ۴۸۰-۴۸۵)

آزادی رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی

در دنیای امروز، رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی بخش مهمی از حقوق رسانه‌ها را تشکیل می‌دهند. حقوق رسانه در این فضا شامل حق آزادی فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، محافظت از داده‌های شخصی، و جلوگیری از سانسور دیجیتال است. قابلیت‌های گوناگون چنین وسیله‌ای ارتباطی، فرصت‌های جدیدی را برای بیان حریم خصوصی و امنیت که از مهم‌ترین جنبه‌های استفاده از فضای وب هستند، فراهم می‌آورد ولی تأمین امنیت وب بدون پیوندزدن و همراه ساختن آن با حریم خصوصی یا آزادی بیان منجر به خدشه‌دار شدن تعادل شکننده بین این دو عنصر می‌شود. باتوجه به چالش‌های جامعه معاصر در مواجهه با آزادی بیان رسانه‌ها و فرهنگ دیجیتال، ضروری است که تحقیقات اجتماعی عوامل مختلفی را در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی درگیر کرده و آن‌ها را تشویق کند تا علی‌رغم موانع و محدودیت‌های قومیتی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی با یکدیگر به طور مشترک کار کنند. فرایند جهانی‌شدن نه تنها ما را مجبور می‌کند که عموماً بیشتر بر پدیده‌های چندملیتی تمرکز داشته باشیم، بلکه به اختلافات چندملیتی نیز توجه کنیم و در پی کشف آن‌ها باشیم. به‌عنوان نمونه بسیار مهم و ضروری است که بدانیم چگونه اصول آزادی بیان، آزادی اطلاعات و آزادی مطبوعات در فرهنگ‌های مختلف باتوجه به سازمان‌های دولتی گوناگون و عقاید بسیار متنوع و فرهنگ‌ها در خصوص نقش افراد در جامعه با یکدیگر تفاوت اساسی دارند. (راثی تهرانی، ۱۳۹۸: ۱۵۱ و ۱۵۲) آزادی اندیشه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق بشر و فناوری‌های دیجیتال نظیر شبکه‌های اجتماعی، واقعیت مجازی و رابط‌های عصبی است که تأثیرات منفی این فناوری‌ها بر ظرفیت‌های روانی انسان (مثلاً تمرکز و کنترل بر افکار) می‌تواند تهدیدی برای آزادی باشد، بنابراین دولت‌ها باید تعهدات حقوق بشری خود را نسبت به تضمین این آزادی عملی کنند، از جمله از طریق طراحی فناوری حساس به آزادی اندیشه و ارزیابی‌های تأثیر آزادی اندیشه در روند قانون‌گذاری فناوری. (Bublitz, ۲۰۲۵) اگر چه پلتفرم‌ها نهادهای خصوصی هستند اما این بدان معنا نیست که دولت‌ها از هرگونه مسئولیت در قبال اقدامات آنها مبرا هستند؛ دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل بشر

متعهد به احترام، حمایت و تحقق حقوق بشر هستند این تعهد شامل حفاظت از افراد در برابر نقض حقوق بشر توسط بازیگران خصوصی نیز می‌شود و تعهد حمایت دولت ایجاب می‌کند که دولت‌ها چارچوب‌های قانونی و نظارتی مناسبی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر توسط شرکت‌ها، از جمله پلتفرم‌های دیجیتال وضع کنند. (فلاح تفتی، ۱۴۰۴: ۷۲)

مسئولیت مدنی و جبران خسارت در رسانه‌های نوین در رسانه‌های نوین (خبرگزاری‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی)، بر پایه جبران خسارت معنوی و مادی استوار است. انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا الفاظ رکیک یا فحاشی و نظایر آن ممنوع است. در صورت تخلف، علاوه بر مجازات کیفری، شاکی می‌تواند تقاضای جبران خسارت نماید (ماده ۳۰ قانون مطبوعات، ۱۳۶۴ با اصلاحات ۱۳۷۹). مسئولیت مدنی در رسانه‌های برخط مطابق با آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات و رویه قضایی جاری، ناشی از محتوای مجرمانه در وب‌سایت‌ها، متوجه مدیر مسئول است. چالش فقهی و حقوقی در اینجا «نظارت بر کامنت‌های کاربران» است. طبق قاعده «تسبیب»، اگر مدیر رسانه بستری را فراهم کند که موجب هتک حیثیت فردی شود، ضامن شناخته می‌شود. آزادی بیان با دو قاعده اصلی قاعده «سلطنت» و «لا ضرر» در فقه اسلامی تحدید می‌شود:

قاعده لا ضرر: براساس حدیث نبوی «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ»، هیچ‌کس نمی‌تواند به استناد آزادی خود، به جان، مال یا آبروی دیگری لطمه بزند. لذا آزادی رسانه تا جایی است که به «حق الناس» آسیب نرساند (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶)

حرمت غیبت و هجو: از منظر فقهی، انتشار مطالبی که موجب وهن شخصیت مؤمن یا افشای اسرار خصوصی (هتک ستر) شود، حرام تکلیفی و موجب ضمان (مسئولیت مدنی) است. با این حال، در موارد «نصب‌العین قرارداد دادن مصالح عمومی» یا «امر به معروف و نهی از منکر»، فقه اجازه نقد کارگزاران حکومتی را صادر کرده است.

چالش‌های قانون رسانه‌های نوین و فضای مجازی در پیش‌نویس‌ها و قوانین مرتبط با فضای مجازی (نظیر قانون جرایم رایانه‌ای)، مسئولیت مدنی از شکل سنتی خارج شده است. ماده یک قانون مسئولیت مدنی: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» (قانون مسئولیت مدنی، ۱۳۳۹). در رسانه‌های نوین، تعیین دقیق میزان خسارت معنوی بسیار دشوار است و نظام قضایی ایران هنوز معیار مشخصی برای تقویم ریالی آبروی ریخته شده در فضای مجازی ندارد. در حقوق ایران، علاوه بر قانون مسئولیت مدنی، «قانون مطبوعات» نیز در این زمینه نقش کلیدی ایفا می‌کند. روش‌های جبران خسارت در این حوزه معمولاً به دو شکل «غیرمالی» و «مالی» انجام می‌شود:

۱. روش‌های غیرمالی (اعاده حیثیت) این روش در حوزه رسانه بسیار رایج‌تر و گاهی موثرتر از پرداخت پول است، زیرا هدف آن پاک کردن لکه ننگی است که بر اعتبار فرد نشسته است:



- حق پاسخگویی (ماده ۳۰ قانون مطبوعات): اگر رسانه‌ای مطلبی توهین‌آمیز یا خلاف واقع علیه کسی منتشر کند، آن شخص حق دارد پاسخی بنویسد و رسانه موظف است آن پاسخ را به صورت رایگان، در همان صفحه و با همان حروف منتشر کند.

- درج عذرخواهی: دادگاه می‌تواند رسانه را ملزم کند که بابت اشتباه صورت گرفته، رسماً در ستون‌های خود از فرد دلجویی و عذرخواهی کند.

- نشر حکم محکومیت: در مواردی که جرم افترا یا نشر اکاذیب ثابت شود، شاکی می‌تواند از دادگاه بخواهد که متن حکم محکومیت رسانه را برای اطلاع افکار عمومی منتشر کند.

۲. روش‌های مالی (پرداخت نقدی) اگر خسارت معنوی با عذرخواهی و پاسخگویی جبران نشود، طبق ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی، دادگاه می‌تواند مبلغی را به عنوان خسارت معنوی تعیین کند. نحوه تعیین مبلغ در ایران فرمول مشخصی ندارد. قاضی با توجه به میزان شهرت فرد، گستردگی انتشار رسانه (تیراژ یا تعداد بازدید) و شدت ضربه روحی وارد شده، مبلغی را تعیین می‌کند.

۳. مسئولیت در فضای مجازی امروزه طبق قانون جرایم رایانه‌ای، اگر در سایت‌ها یا شبکه‌های اجتماعی محتوایی منتشر شود که موجب هتک حیثیت شود (مثل انتشار فیلم خصوصی یا نشر اکاذیب)، علاوه بر مجازات حبس یا جزای نقدی، دادگاه مجرم را به اعاده حیثیت به هر نحو ممکن (مانند حذف محتوا و انتشار تکذیبیه در همان پلتفرم) ملزم می‌کند. چالشی که برای اثبات در حوزه رسانه وجود دارد حسن نیت رسانه است، اگر رسانه ثابت کند که هدفش اطلاع‌رسانی در راستای منافع عمومی بوده و قصد اضرار (آسیب‌زدن) نداشته، ممکن است از مسئولیت معاف شود.

ارزیابی ریالی: چون آبرو قیمت ندارد، تعیین مبلغی که بتواند درد روحی فرد را تسکین دهد همواره مورد بحث حقوقدانان است. نکته مهم این است که در پرونده‌های رسانه‌ای، معمولاً «مدیر مسئول» رسانه مسئولیت حقوقی و کیفری اصلی را برعهده دارد، مگر اینکه نویسنده مطلب مشخص باشد که در آن صورت مسئولیت می‌تواند تضامنی یا انفرادی باشد.

نتیجه‌گیری

قوانین رسانه در ایران (قانون مطبوعات) بر پایه آزادی مشروط (اصل ۲۴ قانون اساسی) بنا شده است. «هیئت نظارت بر مطبوعات» نقش کلیدی در فرایند صدور پروانه و نظارت اداری دارد، اما نظام صنفی و تشکلی‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، ساختاری داوطلبانه و غیرمتمرکز دارند. در ایران، حقوق فرهنگی و رسانه دارای قانون جامع و واحد نیست و پراکندگی قوانین موجب تفسیرهای متضاد و ابهام در مسئولیت‌ها می‌شود؛ بنابراین، تدوین و تصویب قانون خاص، با

تأکید بر مسئولیت مدنی و تضمین آزادی بیان، امری ضروری است و در حال حاضر، چندین لایحه و طرح مرتبط با حوزه رسانه‌ها و فضای مجازی در مجلس شورای اسلامی مطرح و یا در دست بررسی بوده‌اند عبارتند از:

۱. لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی به پی‌شنهاد دولت و با هدف تعریف و مقابله با انتشار محتوای خبری که خلاف واقعیت باشد و موجب تشویش اذهان، شبهه یا فریب مخاطب شود. در این لایحه، مجازات‌هایی از قبیل حبس، جزای نقدی و محرومیت از فعالیت‌های مرتبط با نشر محتوا برای متخلفان پیش‌بینی شده است.

۲. طرح‌های مرتبط با «نظام‌بخشی» و «صیانت» از فضای مجازی به پی‌شنهاد نمایندگان مجلس با هدف ساماندهی و نظارت بر فعالیت‌ها و محتوای منتشر شده در بستر اینترنت و سکوه‌های فضای مجازی، که اغلب شامل موضوعاتی مانند فیلترینگ، کنترل دسترسی، و نظارت بر تولیدکنندگان محتوا می‌شود. اخیراً طرح‌هایی با محتوای مشابه یا جایگزین، با عناوینی مانند «طرح نظام‌بخشی فضای مجازی» و «طرح حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» به مجلس ارائه و اعلام وصول شده‌اند. در برخی از این طرح‌ها، نقش سازمان صداوسیما در حوزه صدور مجوز و نظارت بر محتوای صوتی و تصویری فراگیر در فضای مجازی پررنگ شده است.

۳. لایحه جدید قانون مطبوعات و خبرگزاری‌ها با هدف جایگزینی قانون مطبوعات فعلی با یک قانون جامع‌تر که به تحولات جدید رسانه‌ای (از جمله خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های خبری و رسانه‌های الکترونیکی) بپردازد و در عین حال به دنبال جرم‌زدایی و فرجه شدن حقوق مطبوعات است. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز گزارشی با عنوان «حق پاسخ در سکوه‌های رسانه‌ای کاربرمحور و ارائه پیش‌نویس قانونی» منتشر کرده است. (شماره مسلسل ۲۰۹۷۴، ۱۴۰۴) این گزارش نشان می‌دهد که نارسایی‌های قوانین فعلی (مانند قانون مطبوعات که برای رسانه‌های سنتی است) برای پلتفرم‌های کاربرمحور که مسئولیت محتوای تولیدی توسط کاربران در آن‌ها مبهم است، چالشی جدی ایجاد کرده و لزوم تدوین قوانین جدید در این زمینه را گوشزد می‌کند.

رعایت حقوق مطبوعات و رسانه‌ها یکی از شاخص‌های اصلی توسعه دموکراسی و حاکمیت قانون است. رسانه آزاد، مستقل و آگاه می‌تواند نقش چشمگیری در رشد فرهنگی، عدالت اجتماعی و پاسخ‌گویی قدرت داشته باشد.

واکاوی نظام حقوق رسانه‌ای ایران نشان می‌دهد که این نظام در میان‌دستان دو ضرورت «حق بر آزادی بیان» و «حفاظت از ارزش‌های بنیادین (فقهی و امنیتی)» قرار دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، نتایج زیر حاصل شده است:

- دوگانگی در مبانی قانونی قانون اساسی ایران (به‌ویژه اصل ۲۴) آزادی بیان را به عنوان یک اصل پذیرفته، اما آن را مشروط به عدم اخلاف در مبانی اسلام و حقوق عمومی کرده است. چالش اصلی در اینجا، تفسیرپذیری این



محدودیت‌هاست. نبود تعاریف دقیق و حصری از واژگانی چون «مبانی اسلام» یا «مصالح ملی» در قوانین عادی، موجب شده است که مرز میان نقد مصلحانه و جرم رسانه‌ای در رویه‌های قضایی گاهی دچار ابهام شود.

- چالش تعارض با مبانی فقهی از منظر فقهی، ظرفیت‌های گسترده‌ای مانند اصل «امر به معروف و نهی از منکر» و «نصیحت الائمة المسلمین» وجود دارد که نه تنها آزادی بیان را مجاز، بلکه در مواردی واجب می‌شمارد. با این حال، تزامن این اصول با قواعدی نظیر «حرمت اهانت به مقدسات» یا «منع اشاعه فحشا»، نیازمند یک فقه رسانه‌ای پویا است تا بتواند میان نقد علمی - اجتماعی و توهین مجرمانه تفکیک قائل شود.

- تلاقی با ضرورت‌های امنیتی در حوزه امنیتی، بزرگترین چالش، غلبه نگاه «تحدیدی» بر نگاه «حق‌مدار» است. اگرچه حفظ نظام از اوجب واجبات است، اما نتایج نشان می‌دهد که تعریف موسع از امنیت ملی می‌تواند منجر به خودسانسوری در رسانه‌ها شود. امنیت پایدار در گروی شفافیت رسانه‌ای است و نه محدودیت آن؛ چرا که رسانه‌های آزاد با افشای فساد، مانع از فروپاشی اعتماد عمومی (که رکن اصلی امنیت است) می‌شوند.

پیشنهاد نهایی و چشم‌انداز برای حل این تعارضات، گذار از «نظام نظارت پیشینی» به «نظام مسئولیت پسینی» و تخصصی شدن واقعی دادگاه‌های رسانه با حضور هیئت منصفه آگاه به مسائل روز، ضرورتی انکارناپذیر است. همچنین، تدوین «منشور اخلاق رسانه‌ای» با استناد به فقه حکومتی می‌تواند راهگشای قضات در تشخیص مرز بین آزادی و بزه باشد. برای حل تعارضات موجود، گذار از «نظارت سلیقه‌ای» به «دادرسی تخصصی» ضرورتی انکارناپذیر است. شفاف سازی تعاریف حقوقی در قوانین رسانه‌ای و بازخوانی فقهی پویاتر از مفهوم امنیت، می‌تواند به جای نگاه تهدیدمحور، نگاهی فرصت‌محور به رسانه ایجاد کند. تدقیق و تضییق مفاهیم مجرمانه امنیتی با اصلاح مواد ۵۰۰، ۵۱۳ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی، عبارات ابهام‌آفرینی چون «تبلیغ علیه نظام» یا «تشویش اذهان عمومی» را بر اساس معیارهای دکترینال حقوق عمومی بازنویسی شوند؛ به گونه‌ای که تنها در صورت احراز پیوند مستقیم، عینی و قریب‌الوقوع محتوا با وقوع خشونت یا نقض فاحش نظم عمومی، جرم امنیتی رسانه‌ای محقق شود.

امنیت پایدار در گروی رسانه‌هایی است که با نقد مصلحانه، از انباشت فساد و ناکارآمدی جلوگیری می‌کنند. آزادی بیان نه رقیب امنیت و دین، بلکه ابزاری برای پویایی فقه و پایداری امنیت ملی است.



فهرست منابع؛

- ۱- آراسته، جمشید و صنیعی، آراسته (۱۴۰۲)، مسئولیت اجتماعی رسانه و حقوق جنگ؛ رهیافتی بر جامعه‌شناسی رسانه انقلابی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۱، ص ۱۳۷-۱۶۶.
- ۲- ابوالمعصومی، نرگس (۱۴۰۳). نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی، فصلنامه علمی مطالعات حقوق، شماره ۲۴.
- ۳- استانبهورست ریک (۱۳۹۶). نقش رسانه‌ها در مقابله با فساد، مترجمان کرمی، علی و تمجید، فرامرز و محمودی بهزاد. دانش ارزیابی (شماره ۳۳)، ۱۳۱-۱۵۹.
- ۴- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر حقوق رسانه‌ها، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۳.
- ۵- اصلانی، زینب، جعفری، علی، سلمان زاده، جعفر (۱۴۰۲). مسئولیت مدنی رسانه‌ها در قبال نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و انگلستان، نشریه جامعه، فرهنگ، رسانه دوره ۱۲، شماره ۴۶.
- ۶- انصاری، باقر (۱۳۹۶). حقوق رسانه، انتشارات سمت.
- ۷- انصاری، باقر (۱۴۰۳). حقوق ارتباطات و رسانه‌های نوین. چاپ پنجم، نشر سمت.
- ۸- انصاری، ب و احمدوند، ب، ۱۴۰۲، حق پاسخ در رسانه در پرتو مطالعات تطبیقی و حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری (علمی-پژوهشی) دوره ۸۸، شماره ۱۲۵، ۳۹۹-۴۲۰.
- ۹- باختری، مریم و سرایی، علی (۱۴۰۴). چالش‌های اخلاقی و حقوقی آزادی بیان در فضای مجازی و رسانه‌های نوین، فصلنامه علمی مطالعات حقوق و علوم قضایی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۷۰-۹۵.
- ۱۰- باستانی، سوسن و خانیکی، هادی و ارکان زاده یزدی، سعید (۱۳۹۹). نظام رسانه‌ای ایران: جانشینی ناکامل رسانه‌های نوین و از جا رفتگی شبکه رسانه‌ها، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ ارتباطات ۷-۳۱.
- ۱۱- خوشنودی، هادی (۱۴۰۳). رابطه فقه و ابعاد امنیت از دیدگاه فقه امامیه (با توجه به الگوها و راهکارهای فقه امنیت)، انتشارات آبات (با همکاری پژوهشگاه مطالعات فقه معاصر)، قم.
- ۱۲- رحمانی، قدرت الله، (۱۳۹۹)، حقوق مخاطب و رسانه‌های الکترونیک در ایران؛ از ایده قانون جامع تا الگوی نظام آیین نامه‌ای، فصلنامه حقوق اداری، شماره ۲۴، ۹۳-۱۱۱.
- ۱۳- رحمت الهی، حسین، آقا محمد آقایی، احسان، (۱۴۰۳). نگاهی نو به مبانی حقوق عمومی (مفاهیم و ارزش‌ها)، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۴- رزمخواه، نجمه (۱۴۰۴)، سلامت کوانتومی: پلی میان فن‌آوری و حقوق بشر در عصر نوآوری، فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۱۹۰، ۱-۱۹.
- ۱۵- زرکلام، ستار (۱۳۹۴). حقوق فناوری اطلاعات، نشر شهر دانش، چاپ پنجم.
- ۱۶- شهرپور، محمد حمید، رحمانی، قدرت الله، بیگلریگی، کیان (۱۴۰۱). حق مخاطب، بهره‌مندی از اطلاعات صحیح و مقابله با اخبار جعلی در رسانه‌ها، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی.
- ۱۷- فالاح تفتی، فاطمه، (۱۴۰۴)، مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در قبال حذف محتوای مرتبط با شخصیت‌های تحت ۱۸- تحریم (مطالعه موردی سردار سلیمانی)، فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی دوره ۱۴، شماره ۲، ۸۱-۶۳.
- ۱۹- قاضی، ابوالفضل (۱۳۹۹) بایسته‌های حقوق اساسی، انتشارات نشر میزان، ۱۴۷-۱۵۰.
- ۲۰- قاضی، ابوالفضل (۱۴۰۲) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات نشر میزان، چاپ هفدهم. ۶۳۰-۶۵۰.
- ۲۱- قریشی، فاطمه السادات (۱۴۰۱). بررسی جامعه‌شناسی فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو اسناد بین‌المللی، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲۲۳-۲۴۶.



- ۲۲- کارلسون، اولاً (۱۳۹۸). تهرانی، رایی. آزادی بیان و رسانه‌ها در زمان ابهام، خبرنامه فرهنگ و رسانه ۱۴۵-۱۵۴
- ۲۳- کشاورز، مونس و همکاران (۱۴۰۱). حمایت از آزادی بیان در فقه و حقوق کیفری ایران، فصلنامه فقه جزای تطبیقی (نشریه علمی-پژوهشی) دوره ۲، شماره ۲ (پیاپی ۳)
- ۲۴- گاپله، محمد و همکاران (۱۴۰۴). الگوی حکمرانی تنظیم‌گری رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در ایران، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره ۶۹، ۷۹-۴۳
- ۲۵- محقق، محمد مهدی (۱۴۰۴). فقه خبر، پژوهشی در احکام فقهی رسانه‌های خبری انتشارات خبرگزاری رسا با همکاری مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه (چاپ اول)
- ۲۶- مرادی برلیان، مهدی (۱۴۰۲). تعارض حقوقی بین آزادی رسانه و امنیت ملی و راهکارهای رفع آن، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران.
- ۲۷- مسعودی، امیدعلی و اسدی، خاطره (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی حقوق رسانه در پرتو قوانین ایران و کشورهای اسکاندیناوی، فصلنامه فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی شماره ۱
- ۲۸- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۹۱). حقوق مطبوعات. جلد اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۲۹- مهرپور، حسین (۱۴۰۱). نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات (تهران)
- ۳۰- موسوی بجنوردی، محمد. (۱۳۹۶). قواعد فقهیه. جلد اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۳۱- مؤمنی راد، احمد و پتفت، آرین (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی محدودیت‌های حاکم بر آزادی مطبوعات در نظام حقوقی ایران و انگلستان، دو فصلنامه حقوق بشر اسلامی، ۸۹-۱۰۵
- ۳۲- نجارها، ح، ۱۴۰۱، ابعاد حقوقی مسئولیت مدنی و حق پاسخگویی رسانه‌ها در ایران، مجلیه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال پنجم (شماره ۴۹) ۴۲-۵۸.
- ۳۳- نعیمی، حامد (۱۳۹۴). بررسی حفظ حریم خصوصی افراد در رسانه از دیدگاه فقه امامیه، دانشگاه فردوسی مشهد
- ۳۴- هاشمی، سید محمد (۱۴۰۱). حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی (مطالعه تطبیقی)، ناشر: نشر میزان (تهران)
- ۳۵- ویژه، محمدرضا، قشلاقیان، بهزاد (۱۴۰۳). مقاله صلاحیت و استانداردهای نظارت بر رسانه؛ مطالعه در حقوق ایران و انگلستان. فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی
- ۳۶- سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران فضای مجازی، شورای عالی فضای مجازی (۱۴۰۱). مصوب جلسه هشتاد و دوم.
- ۳۷- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۸
- ۳۸- قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸
- ۳۹- گزارش "حق پاسخ در سکوها‌ی رسانه‌ای کاربرمحور و ارائه پیش نویس قانونی"، مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۴) شماره مسلسل ۲۰۹۷۴
- ۴۰- قانون اساسی جمهوری عربی مصر، مصوب ۲۰۱۴ (مواد ۷۰، ۷۱ و ۷۲ مربوط به آزادی مطبوعات و شورای عالی تنظیم‌گری).
- ۴۱- قانون تنظیم مطبوعات، رسانه‌ها و شورای عالی تنظیم‌گری مصر (قانون شماره ۱۸۰ مصوب ۲۰۱۸).
- ۴۲- قانون آزادی مطبوعات فرانسه، مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ (Loi du ۲۹ juillet ۱۸۸۱ sur la liberté de la presse) با اصلاحات تا سال ۲۰۲۲.

۴۳- Barendt, Eric & Hitchens, Lesley & Craufurd Smith, Rachael (۲۰۱۳). The Right of Reply (in Media Law: Text, Cases and Materials)



۴۴-Bublitz, J. C. (۲۰۲۵). The Law and Ethics of Freedom of Thought, Volume ۲: Cognitive Liberty, Mental Privacy, and International Law. Palgrave Macmillan.

۴۵-Campbell Angela J (۱۹۹۹). Self-Regulation and the Media, Federal Communications Law Journal (Vol. ۵۱, Iss. ۳, Article ۱۱),

۴۶-Eberwein, Tobias (۲۰۲۴). Media Self- Regulation, Handbook of Media and Communication Economics

۴۷- Feintuck, Mike, & Varney, Mike (۲۰۰۶). Media Regulation, Public Interest and the Law. ۲nd Edition, Edinburgh: Edinburgh University Press, pp. ۵۳-۸۴ (Chapter ۳: "The Regulation of the Media in the Public Interest").

۴۸-Independent Press Standards Organisation (IPSO) (۲۰۲۱). The Editors' Code of Practice.

۴۹. Mendel, Toby (۲۰۱۲). Restricting Freedom of Expression: Standards on National Security and Public Order. Halifax: Centre for Law and Democracy, pp. ۱۲-۲۹

۵۰-Koltay, András (۲۰۱۳). The Right of Reply: A Right to Have an Error Corrected, or a Right to Dispute a Valid Editorial Judgment?